

سوال : همانطور که میدانید فشارهای بین المللی جدیدی برای قبولاندن پروتکل الحاقی به جمهوری اسلامی وارد مراحل جدیدی شده است. قبل از اینکه وارد این بحث شویم شما لطفا بفرمایید که چه شواهدی از برنامه اتمی ایران موجود است که نشان میدهد جمهوری اسلامی از طرحهای تولید انرژی فراتر رفته است ؟

پاسخ: تا آنجا که من از گزارشهای آژانس بین المللی انرژی اتمی میفهمم وجود میزان یورانیوم غنی شده و کوشش ایران برای «غنی ساختن» یورانیوم در «نطنز» نگرانی بازرسان این آژانس را برانگیخته است و از جمله نکاتی است که در گزارش اخیر مطرح شده است. علاوه بر این گویا در ایران «سنتریفویج» ها یا تفکیک کننده های یورانیوم در زیر زمین مخفی شده است و معمولا کشورهایی که این نوع تفکیک کننده ها را مخفی میکنند اهداف صلح آمیزی در پیگیری برنامه اتمی دنبال نمیکند. این اقدام یعنی مخفی کردن یورانیوم غنی شده و در زیر زمین قرار دادن «ساتیرفوج» عادی نیست. البته در نخستین عکس العمل به اعتراض آژانس بین المللی انرژی اتمی ، جمهوری اسلامی ادعا کرد یورانیوم غنی شده ای که در میان ذخایر یورانیوم ایران پیدا شده است تصادفی و در اثر «آلودگی» مواد اولیه و وسایلی است که از کشورهای دیگر وارد کرده است . ولی این ادعا با کوشش ایران برای تهیه یورانیوم غنی شده در نطنز و تاکید بر ادامه برنامه غنی کردن یورانیوم در تناقض است. پروتکل الحاقی سازمان جهانی انرژی اتمی تولید یورانیوم غنی شده را برای کشورهای امضا کننده ممنوع کرده است مگر آنکه بازرسی غیر مترقبه را مجاز دانند. فقط برای اطلاع شنوندگان شما باید تاکید کنم که یورانیوم غنی شده را میتوان برای اهداف صلح آمیز (تولید انرژی) مورد استفاده قرار داد ولی در صد این «غنی شدن» در چنین مواردی پایین است. آنچه به آن یورنیوم غنی شده، سطح پایین میگویند تنها برای تولید انرژی مورد استفاده قرار میگیرد ولی یورنیوم غنی سطح بالا تنها برای تهیه بمب اتمی است. برای ایجاد انفجار اتمی یورانیوم ۲۵ کیلوگرم که سطح عالی از یورانیوم غنی شده است لازم است (یا پلوتونیوم ۸ کیلو). یورنیوم طبیعی که در معادن نزدیک کرمان یافت میشود کمتر از ۰.۱ درصد یورنیوم قابل انشقاق (فیسایل) دارد. این آن نوع یورانیومی است که برای تهیه انفجار اتمی لازم است . برای غنی کردن یورانیوم استخراج شده این درصد از ماده قابل انشقاق باید ۲۰ تا ۹۰ درصد افزایش یابد که کار ساده ای نیست ولی از شواهد پیداست که در طی ده پانزده سال گذشته با کمک روسیه این امکان برای ایران پیش آمده است، امکانی که مورد اعتراض سازمان بین المللی است. البته راههای دیگری از جمله استفاده از پروسه شیمیای برای غنی کردن یورانیوم موجود است.

سوال . باتوجه به ملاقات بوش و پوتین و اظهارات اخیرپاول ایران چه راه حلی جز امضای پروتکل الحاقی برایش باقی مانده است؟

پاسخ ، این قضیه پروتکل را در سطح سیاسی و در منطقه باید کلی تر از مسئله ایران بررسی کرد. ایران میتواند (البته به فرض) مانند کره شمالی از پروتکل الحاقی خارج شود . کره شمالی در اعتراض به محدودیت های که عضویت در آژانس بین المللی انرژی اتمی بر آن وارد میکرد پروتکل اضافی را امضا نکرد و از این آژانس خارج شد. بسیاری از کشورهای در منطقه ما ، مهمترینشان اسرائیل اصلا هیچگاه به سازمان بین المللی انرژی اتمی نپیوسته اند و ادعا میکنند تنها بمب اتمی ندارند، بلکه برنامه اتمی ندارند. در حالیکه همه میدانند در دهه های ۶۰ و ۷۰ به کمک دولت نژادپرست افریقای جنوبی اسرائیل بمب اتمی ساخت و الان آمادگی کامل برای استفاده از چنین بمی را دارد. در نتیجه فشاری که وارد میشود تا حدی سیاسی است ، جدا کردن ایران از کشورهایی چون هند، پاکستان و اسرائیل که همگی بمب اتمی دارند و هیچ پروتکلی را امضا نکرده اند جنبه سیاسی دارد. ایران در تئوری میتواند کار مشابهی را انجام دهد یعنی پروتکل الحاقی را امضا نکند و از سازمان بین المللی انرژی اتمی خارج شود. اما در شرایط کنونی با در نظر گرفتن موقعیت ایران که در محاصره ارتش آمریکا است واضح است چنین برخوردی عواقبی دارد و کار

عاقلانہ ای نیست ولی مهمتر از آن از دید منافع مردم ایران که ما باید از آن جنبه به قضایا نگاه کنیم توسعه صنایع اتمی کار اشتباهی چرا که تهیه وسایل جنگ اتمی و حتی انرژی اتمی کار بسیار گرانقیمت و پر خطری است ، همه فاجعه چرنوبیل در اتحاد جماهیر شوروی سابق را به خاطر دارند، حتی حین تهیه انرژی اتمی فجایع وحشتناکی در نیروگاههای اتمی اروپا و آمریکا پیش آمده است . در اکتبر سال ۱۹۵۷ نیروگاه اتمی «سلافیلد» در شمال غربی بریتانیا آتش گرفت و این آتش سوزی که در جه حرارت آن در مرکز شروع آتش به ۱۳۰۰ درجه سانتی گراد میرسید ، روزها ادامه داشت . بیش از سی و چند سال پس از این سانحه هنوز تعداد کسانی که بر اثر سرطان ناشی از آلودگی آب و زمین این منطقه هر سال جان خود را از دست میدهند، کم نیست. وقتی وارد عرصه سیاسی شویم باید بحث را با دقت بیشتری دنبال کرد. اما شما در مورد راه حل‌های موجود پرسیدید. انجا که من میدانم ایران سه شرط نسبتا کم اهمیت برای امضای پروتکل الحاقی مطرح کرده است یا حداقل من متوجه علت طرح این شروط سطحی نمیشوم . نکته ای که در این پروتکل الحاقی بر روند عادی بازرسی های سازمان بین المللی انرژی اتمی اضافه میکند ، اجازه بازرسی های بی خبر و عمیقتر از نیروگاهها و مراکز اتمی ایران است که اگر استفاده از بمب اتمی مورد نظر نباشد ، ایران در این مورد اعتراضی نباید داشته باشد و در نتیجه در تئوری نباید مشکلی پیش بیاید. البته همانطور که قبلا گفتم اسرائیل که همه میدانند بمب اتمی دارد، این قرارداد را امضا نکرده است و اصلا از آن بازرسی نمیشود. مسئله ای که ایران میتواند به عنوان شرط مطرح کند و شاید حمایت بیشتری را کسب کند این بود که بگوید من امضا میکنم ولی باید این قانون برای کشورهای دیگر منطقه از جمله اسرائیل هم صدق کند. میدانم که از نظر سیاسی ممکن بود در نهایت ایران مجبور شود پروتکل الحاقی را امضا کند و تغییری در موقعیت اسرائیل پیش نیاید ولی طرح این مسئله که در منطقه ما کشور اسرائیل بمب اتمی دارد ، علیه هر یک از کشورها و مهمتر از آن مردم منطقه استفاده کند ، مسئله ای جهانی است و اتفاقا در موقعیت سیاسی کنونی که جامعه متخصصان علمی و اتمی در پی خود کشی دکترا کلی، پیدا نشدن اسلحه های کشتار جمعی در عراق و آبروریزی ناشی از آن برای دولت بوش و بلر ، از همیشه سیاسیتر و تا حدی رادیکالتر شده اند این خواست میتواند حداقل در میان متخصصان و مشاوران علمی آژانس بین المللی انرژی اتمی مدافعی پیدا کند. من این حرف را از خودم نمیزنم در طی دو هفته گذشته با دو نفر از متخصصان و مشاوران علمی این سازمان صحبت کرده ام و هر دو تاکید دارند که در میان بخش علمی این سازمان تمایلی هست به اینکه مسئله سلاحهای اتمی اسرائیل به طور جدی مطرح شود. دیدار اخیر سران دو دولت بنیادگرای اسرائیل و هند به عنوان دو نیروی اتمی منطقه که قصد همکاری با یکدیگر را دارند و هیچ کدام امضا کننده پروتکل‌های اتمی نیستند و هیچ بازرسی را قبول نمیکند، روند بسیار خطرناکی برای منطقه ماست و شاید خوب بود ایران به جای این شرطهای به اهمیتی که مطرح کرده است ، مسئله اسرائیل را طرح میکرد. البته اینجا و آنجا وزیر خارجه ایران به قدرت اتمی اسرائیل اشاره کرده است ولی عجیب است که در مذاکره مستقیم با سازمان بین المللی انرژی اتمی به این نکته توجهی نشده است .

سوال . همانطور که شما هم اشاره کردید تحت فشارهای موجود ، شواری عالی امنیت ملی با امضای پروتکل الحاقی به شکل مقدماتی موافقت کرده است و وزیر خارجه ایران هم پذیرش مشروط را اعلام کرده است . آیا آمریکا و سایر کشورها به این حد از عقب نشینی ایران رضایت میدهند ؟

پاسخ ، به احتمال زیاد ، حداقل کشورهای اروپایی رضایت میدهند. اولاً شرایط ایران چندان شرایط دقیقی نیستند (مثلا ادامه بلا مانع تولید یورانیوم غنی شده که یکی از شروط ایران است - بستگی دارد به نوع یورانیومی که بازرسان در سفرهای آتی پیدا کنند و از قبل کسی نمیتواند در این مورد پیش بینی کند.) با اینهمه احتمال زیاد هست که ایالات متحده و سایر کشورهای معترض این حد از عقب نشینی جمهوری اسلامی را بپذیرند. یک علتش این است که این کشورها نمیخواهند موقعیت اتمی منطقه مورد بحث جدی قرار گیرد چرا که متحدانشان یعنی اسرائیل، هند ... بمب اتمی دارند ، از نظر سیاسی در حال حاضر بی اعتمادی به دودولت بریتانیا و ایالات متحده در پی ادعاهایشان پیرامون اسلحه های کشتار جمعی عراق آنچنان همگانی است که طرح حمله نظامی یا حتی بویکت اقتصادی ایران به خاطر داشتن «اسلحه اتمی» بعید است و تا حدی خودکشی سیاسی برای سران این دو کشور که هر روز از محبوبیت و اعتماد مردم کشورشان به حرفهایشان

کاسته میشود. فعلا بوش و بلر بد جویری در رابطه با مسئله عراق گیر هستند. این به این معنی نیست که در درزا مدت وضع همیگونه خواهد ماند. امکان دارد در یک پروسه طولانی تری بتوانند موضع خود را عوض کنند. اما در حال حاضر با یک سری معاملات که احتمالا بر سر سه شرط صورت خواهد گرفت، موضع ایران پذیرفته خواهد شد. آنچه برای آژانس بین المللی انرژی اتمی مهم است و متخصصان علمی بر آن تاکید دارند، این است که بازرسی از مراکز اتمی ایران بدون تعیین تاریخ از پیش میسر شود. این سازمان تاکید دارد باید نوع یورانیومی که دارد غنی میشود را بررسی کند تا بتوانند مطمئن شوند به آن حد ۲۵ کیلوگرم که برای تهیه مواد انفجاری لازم است نرسد.

سوال. با توجه به صدور قطعنامه بروکسل و هشدار اتحادیه اروپا به ایران مبنی بر اینکه اگر ایران برنامه هسته ای خود را شفاف مطرح نکند با عواقب اقتصادی ناخوشایندی روبرو خواهد شد، از نظر شما این هشدار چه پیامدهایی برای ایران و خصوصا مردم ایران داشته باشد.

پاسخ. این در حقیقت ادامه سیاست تغییر منطقه است و تا حد زیادی این تهدید را هم باید در آن چهارچوب ارزیابی کرد. آنچه برای ما مهم است این است که بطور کلی باید با برنامه هسته ای مخالفت کرد. در داخل و از درون باید با این سیاست مقابله کرد، نه به خاطر فشارهای بین المللی نه به خاطر اینکه سیاست خارجی امپریالیسم آنرا میطلبد بلکه به خاطر اینکه ما به عنوان نیروهای برابری طلب حتما باید مخالف درگیری ایران در برنامه اتمی حتی برای تولید انرژی باشیم، چرا که این تولید برای محیط زیست مخرب است، خرج آن فوق العاده بالاست، در بسیاری کشورها از جمله ایران قوانین امنیتی بهداشتی لازم در ایجاد و تولید مواد اتمی رعایت نمیشود و خطرات بیشمار این صنعت را دوچندان میکند.

نیروهای چپ همیشه در اروپا، آمریکا، هند، ژاپن مدافع خلع سلاح اتمی یکجانبه بوده اند و علیه رقابت اتمی موضع گرفته اند. ما باید بر این اصول همچنان تاکید داشته باشیم. کمترین اشتباه میتواند به فاجعه عظیمی بیانجامد. ما به این دلایل باید مخالف گسترش صنایع اتمی ایران باشیم

. من فکر میکنم فشار بازار اروپا برمیگردد به معاملات بین سران کشورهای انگلیس، آلمان، فرانسه وبسته به توافق ها یا اختلافهای آنان ممکن است این موضع تغییر پیدا کند. اگر آمریکا و بریتانیا بتوانند بر بحران شدیدی که هم اکنون در عراق با آن روبرو هستند فایق آیند امکان دارد موضعشان در مورد ایران شدید تر شود ولی تا زمانی که اوضاع عراق تغییری نکند، بعید است اینها پی حادته جویی دیگری در منطقه باشند.

سوال . سوال آخر ما این است که اساسا صرفنظر از تمامی خطراتی که تولید انرژی اتمی در بر دارد و صرفنظر از همه فشارهای خارجی به لحاظ اقتصادی آیا درکشوری که اینهمه منابع دیگر انرژی دارد به صرفه هست که به انرژی اتمی رویاورد شود؟

پاسخ: به نظر من نه ولی این یکی از سوالهایی است که طبعا برخی نگرانی ها را به بار آورده است. در کشوری چون ایران که اینهمه منابع انرژی وجود دارد چه دلیلی هست برای توسعه انرژی اتمی. کشوری که همانطور که میدانید صنایع تولیدی، نساجی، ریسندگی، بافندگی ... را هر روز به بهانه مشکلات اقتصادی میندند. کشوری که ادعا دارد با آنچنان مشکلاتی روبروست که بودجه آن ظاهرا نمیتواند به خواستههای اولیه شهروندان چون نان، کار، مسکن ... بپردازد اما بودجه کافی دارد تا یورانیوم غنی شدهء آنهم لابد در بازار سیاه به قیمت سرسام آور، بخرد. در نتیجه میشود گفت ایجاد چنین نیروگاههای منطق اقتصادی ندارد. علاوه بر این لازم است بار دیگر بر خطرات ناشی از صنایع اتمی تاکید کنم. استفاده «گرانیت» در غنی کردن یورانیوم در نیروگاه اتمی سلافیلد باعث شد آتش سوزی این نیروگاه جان اهالی این منطقه را بری چندین نسل به خطر بیندازد. علاوه بر این حتی زائده یورانیوم میتواند خطرات بیشماری برای کلیه کسانی که به آن نزدیک میشوند ایجاد کند. در اروپا قوانین بیشماری در مورد دفع این نوع زائده وجود دارد با اینهمه هر بار حمل این مواد از یک منطقه به منطقه دیگری مطرح میگردد نیروهای مدافع محیط زیست، نیروهای جنبش ضد سرمایه داری، به درستی دست به اعتراض میزنند چرا که خطر آلودگی ناشی از نفوذ این مواد وجود دارد و متخصصان صنایع اتمی اعتراف دارند هنوز همه عواقب ناشی از چنین